

فصلنامه علمی- پژوهشی رهیافت

سال دوازدهم، شماره ۴۵، زمستان ۱۳۹۷
صفحه ۱۳۷ تا ۱۵۷

خوانش سیاسی تعزیه در انقلاب اسلامی

سیدمحمد هاشمی مطهر / دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول) smhashemim@yahoo.com
ستار عودی / دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی (مسئول مکاتبات) sattar-oudi@yahoo.com

چکیده

تعزیه، طی فرآیند پیچیده‌ای در تاریخ و فرهنگ ایران از دل برگزاری مراسم سوگواری امام حسین(ع) پدید آمده و ملت ایران در تمامی تحركات سیاسی فرهنگی خود به نحوی تحت تاثیر پیام عاشورا است و این طبیعی‌ترین بستر تحولات انقلابی در ایران اسلامی به شمار می‌آید. در این تحقیق خوانش سیاسی تعزیه و قیام امام حسین(ع) و تاثیر آن بر انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است. لذا سوال اصلی این مقاله بدین صورت بیان می‌گردد که: « وقوع انقلاب اسلامی متأثر از کدام یک از برداشتهای سیاسی و معنوی واقعه عاشورا و آیینهای مرتبط با این رویداد از جمله تعزیه خوانی بوده است.» براین اساس فرضیه پژوهش حاضر بدین قرار است که حادثه کربلا باعث گردید تا سنت عزاداری و پیامد آن ارسال اهداف قیام عاشورا با توجه به شرایط زمان و مکان در دوره‌های مختلف با شدت و ضعف ادامه داشته باشد و انقلاب اسلامی ایران نیز متأثر از آموزه‌های فراگیر و همه جاذبه نهضت عاشورا بوده است. مقاله حاضر به ویژگی‌های تاثیرگذار تعزیه بر افکار مخاطب و تاثیرات آن بر روند کارکردی انقلاب اسلامی ایران پرداخته است.

کلیدواژه: تعزیه، خوانش سیاسی، واقعه عاشورا، انقلاب اسلامی ایران.

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۹/۱۹ تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۱۲/۰۹
این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای سیدمحمد هاشمی مطهر به راهنمایی آقای دکتر ستار عودی می‌باشد.

مقدمه

مسئله از بزرگترین و مؤثرترین حوادث تاریخی صدر اسلام واقعه عظیم عاشورا و مصائب امام حسین (ع) و همراهانش در سال ۶۱ هجری می‌باشد که اثرات بسزایی در تاریخ بشریت برجای گذاشته است. برگزاری مراسم بزرگداشت و عزاداری حماسه کربلا از موضوعات مهم و پیوسته بعد از حادثه «طف» می‌باشد که سفارشات متعددی از سوی پیامبر اعظم (ص) و رهبران معصوم شیعی مبنی بر زنده نگاه داشتن یاد و خاطره امام سوم شیعیان و یاران با وفای او بر مسلمانان و پیروان آن امام همام رسیده است. امام صادق (ع) فرمودند: «هر نالیدن و گریه‌ای مکروه است مگر ناله و گریه بر حسین علیه‌السلام». (مجلسی، ۱۳۶۲: ۳۱۳).

در این بین ذکر این نکته لازم است که نوع برگزاری مراسم، چگونگی، تداوم و خصوصیات منحصر به فرد آیین حسینی از جمله خصایص شاخص این مراسم مذهبی می‌باشد که مانا بودن آن را تضمین نموده است. یکی از مهم‌ترین زایش‌هایی که این مراسم عزاداری همراه خود داشته است اجرای آن به صورت نمایش شبیه‌سازی شده جریان نینوا و ساخت و تکامل آن در روند زمان و پیدایش آن به شکل هنر نمایشی و بومی به نام تعزیه بوده است. تعزیه ایران نمایشی آیینی است که قالب و مضمون آن از سنن مذهبی ریشه‌دار متأثر است. این نمایش، اگرچه در ظاهر اسلامی، اما قویاً ایرانی است که در اصل از میراث خاص سیاسی و فرهنگی خود ملهم است. «هسته اصلی تعزیه، شهادت قهرمانانه امام حسین (ع)، پسر دخت محمد (ص)، پیامبر خداست». (چلکوسکی، ۱۳۸۹: ۷)

قطعاً اقبال تعزیه در میان مردم و تداوم آن در طول تاریخ تنها بخاطر جنبه‌های هنری این آیین مذهبی نبوده است و تضمین بقا و تثبیت موقعیت و ارزشمند بودن آن سمت و سوی دیگری داشته و ریشه در اعتقادات مسلمانان دارد. کوتاه سخن اینکه «هیچ نسخه تعزیه‌ای نیست که به نحوی از سرچشمه اصلی (عاشورا و واقعه کربلا) ننوشیده باشد». (کاظمی، ۱۳۸۶: ۸)

مناسک سوگواری امام حسین (ع) و تعزیه علاوه بر ایجاد فضای معنوی در روح و ذهن مخاطبان خود، بر ارتقای سطح اندیشه و اهداف زندگی دینی و عدالت محور آنها تأکید داشته و همواره بر جریان ظلم ستیزی و آزادگی، پیروان خود را هدایت و راهبری می‌نماید. امام خمینی در احیای این اندیشه، نقش موثری ایفا کرد. اصولاً ایده انقلاب که ایشان در جریان انقلاب اسلامی مطرح کردند، خود برگرفته از اندیشه عاشورایی بود که بر اساس

آن، وضعیت موجود غیرقابل اصلاح تلقی گشته و تنها از طریق یک حرکت و دگرگونی اساسی می‌توان این وضعیت را دگرگون ساخت. در راستای رسیدن به اهداف پژوهش سوال اصلی بدین صورت عنوان می‌گردد که « تعزیه خوانی چه جایگاهی در وقوع انقلاب اسلامی ایران و سپس شکل‌گیری نمادهای هویتی آن در فردای تشکیل جمهوری اسلامی داشته است؟

فرض اصلی و اساسی تحقیق نیز این است و همچنین بیان فرضیه تحقیق بر این اساس است که: جریان سازی دائمی اهداف حماسه عاشورا باعث گردید تا انقلاب اسلامی ایران نیز تحت تاثیر آموزه‌های فراگیر و همه‌جانبه نهضت حسینی، خصوصاً ظلم ستیزی آن قرار گیرد و با شکل‌گیری جمهوری اسلامی، به یکی از منافع مهم هویتی آن تبدیل گردد. در این پژوهش به تاثیرات مناسب مذهب عزاداری به خصوص تعزیه به افکار پیروان خود و همچنین روند کارکردی آن بر انقلاب اسلامی ایران و حکومت شکل گرفته پس از آن، پرداخته شده است.

۱- چارچوب نظری: نظریه گفتمان لاکلاو و موفه

ناتوانی پوزیتیویسم و رویکرد رفتارگرایی در علوم انسانی و همچنین چرخش زبانی در دهه ۱۹۷۰ باعث رشد گرایش به سمت نظریه گفتمان برای تحلیل پدیده‌های سیاسی و جامعه‌شناختی شده است. براون و یول در تعریف گفتمان می‌نویسند: «تحلیل گفتمان، تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است. در این صورت نمی‌تواند منحصر به توصیف صورت‌های زبانی مستقل از اهداف و کارکردهایی باشد که این صورت‌ها، برای پرداختن به آنها در امور انسانی به وجود آمده‌اند» (Brown & Yule, 1983: 18).

این نظریه بر نقش زبان در بازنمایی و همچنین واقعیت اجتماعی تاکید می‌کند. بر این اساس از دید نظریه گفتمان، بازنمایی واقعیت صرفاً بازتاب واقعیت از پیش موجود نیست بلکه ایفای نقش در خلق واقعیت نیز هست. در حقیقت دامنه گفتمان صرفاً محدود به معنابخشی نیست بلکه هر یک از این دریافت‌ها سلسله اعمال خاصی را ایجاد می‌کنند و پیامدهای خاص اجتماعی در پی دارند. در گفتمان، زبان، با گذر از نقش انتقال اطلاعات و بازنمایی صرفاً واقعیت، به عنوان وسیله ساخت اجتماعی و معنابخشی به آن عمل می‌کند. هویت‌ها و روابط اجتماعی نیز محصول زبان و گفتمان هستند و تغییر در گفتمان منجر به تغییر در جهان اجتماعی می‌باشد و نزاع گفتمانی به تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی منجر می‌شود. نظریه لاکلاو و موفه، ریشه رد دو سنت نظری ساختارگرا یعنی

مارکسیسم (اندیشه اجتماعی) و زبان شناسی سو سواری (نظریه معنایی) دارد. قابلیت تبیین پدیده‌های سیاسی توسط نظریه این دو اندیشمند به واسطه کاربست مفاهیمی همچون «مفصل بندی» است که به معنای ایجاد رابطه میان عناصر مختلف مانند مفاهیم، نمادها، رفتار و ... به گونه‌ای است که هویت آنها دگرگون شده و صاحب هویتی جدید می‌شوند (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۶). به عبارت دیگر، گفتمان‌ها، مفصل بندی مجموعه‌ای منسجم از افراد، مفاهیم و واژگان هستند که حول محور یک «دال برتر» قرار گرفته و به زندگی انسان معنا می‌بخشند (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴).

ایجاد غیریت و فرض ضدیت‌های اجتماعی از جهات مختلفی برای نظریه گفتمان حائز اهمیت است. نخست اینکه به تولید یک «غیر» یا «دیگری» منجر می‌شود. علاوه بر آن تثبیت بخشی از هویت صورتبندی‌های گفتمانی و کارگزاران اجتماعی توسط این مولفه «ضدیت» صورت می‌گیرد. سوم اینکه تجربه ضدیت، حدودی بودن هویت را نشان می‌دهد (هوارت، ۱۳۷۸: ۱۶۱ در داودی، ۱۳۸۹: ۶۲).

لاکلاو و موفه با استفاده از انعطاف پذیری رابطه دال و مدلول، آن را به «استیلا» پیوند می‌زنند. بدین ترتیب که اگر اجماعی میان افکار عمومی بر سر یک مفهوم به وجود بیاید، آن دال هژمونیک می‌شود. هژمونی یک «دال» منجر به استیلای کل آن گفتمان می‌شود. دستیابی به هژمونی که هدف نهایی گفتمان محسوب می‌شود به کمک تثبیت معنا ممکن می‌شود. غایت اعمال هژمونیک ایجاد یا تثبیت نظام معنایی یا صورتبندی هژمونیک است (laclau, mouffe:1985:44). قدرت نیز از جمله عناصر مهم نظریه لاکلاو و موفه است. از نظر این دو اندیشمند به معنای «قدرت تعریف کردن و تحمیل این تعریف در برابر هر آنچه آن را نفی می‌نماید» (کیت نش، ۱۳۸۵: ۴۹ در هنری و آزرمی، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

یک گفتمان، فرایند طرد و تثبیت «خود» را از طریق «قدرت» انجام می‌دهد. تلاش گفتمان بر این اساس است که بر گفتمان‌های دیگر پیروز شود و چون پیروزی هیچ گفتمانی از پیش مشخص نیست نقش اساسی قدرت در بقا یا نابودی گفتمان‌ها بیش از پیش مشخص است. نورمن فرکلاف برای توضیح این مطلب از مفهوم «قدرت پشت گفتمان» استفاده می‌کند (Fairclough, 2001: 53).

۲- پیشینه پیدایش عزاداری ایام محرم و تعزیه

به اذعان اسناد تاریخی زمان شروع عزاداری امام سوم شیعیان بلافاصله بعد از شهادت آن حضرت توسط اصحاب بزرگوار امام شروع گشته و این عمل تا به امروز ادامه دارد. در

زمان اهل بیت (ع) اولین عاملان به سفارش امام شهید، خود رهبران معصوم بوده‌اند. اما صورت آشکار عزاداری‌ها با وجود حکومت سنیان به آغاز حکومت دیلمیان باز می‌گردد و در این دوره بود که عزاداری‌های رسمی دولتی آغاز گشت: «دهم محرم این سال (۳۵۲ ق) معزالدوله فرمان داد تا مردم دکان‌ها و بازارها را تعطیل نمایند و خرید و فروش را متوقف کنند و به نوحه و عزاداری ائمه بپردازند.» (ابن اثیر، ۱۲۹۰ ق، ج ۸: ۱۹۷)

ابن کثیر در کتاب خود می‌گوید که در دهم محرم ۳۵۳ ق شیعیان به برگزاری عزاداری پرداختند و این باعث گردید که جنگی میان سنیان و شیعیان درگیرد و در پی آن اموال آنها به غارت رفت. (ابن کثیر، ۱۳۵۸ ق، ج ۶، ۲۵۳)

این گفته مبین این موضوع است که عزاداری عمومی گرچه با پشتیبانی دولت و حمایت آنها همراه بوده اما سختی‌ها و مخالفت‌های خود را هم از سوی مخالفان و هم سنیان داشته است. مشکلات عدیده این گونه اعمال بیشتر بر روی دوش عامه مردم بوده است. اما حاکمان برای اعمال خود اهدافی را داشته‌اند که آل‌بویه از این امر مستثنی نبوده است. این اهداف را از سوی ایشان بدین گونه بیان کرده‌اند: «مراسم سوگواری عاشورا در ۳۵۲ هـ/ق ۹۶۳ م که به فرمان سلطان معزالدوله معمول شد و نخستین مراسم سوگواری دسته‌جمعی نیز به حساب می‌آید. با هدفی دوگانه برپا شد و مفاهیم بسیار داشت. این مراسم ارزشیابی تازه‌ای از وقایع تاریخی ۶۱ هـ/ ۶۸۰ م واقعه حزن‌انگیز کربلا بود که در سال‌های بعد به صورت یادکردی توأم با مرثیه‌خوانی، زدن بر سر و صورت، به راه انداختن دسته‌های سوگواری در خیابان‌ها و بازارها، برافراشتن خیمه‌ها و گریستن در مجالس سوگواری درآمد. آنها هم اهداف درونی و هم بیرونی داشتند و این اهداف بیرونی بر اصول مشخصی متکی بودند.» (بکتاش، ۱۳۸۹: ۱۳۰ و ۱۲۹)

گرچه شروع و ابداع سنت عزاداری دولتی به عصر آل‌بویه برمی‌گردد اما فاطمیان همزمان در مصر آن را اشاعه دادند و طی سلطنت معزالدین‌الله در سال ۳۶۰ ق سالروز قیام حسینی را ایام غم و اندوه محسوب می‌کردند و ضمن برپایی آیین‌های عزای نوحه‌خوانی و مرثیه‌سرایی می‌پرداختند و این عمل در بزرگترین شهرهای مصر هم رایج بود (بکتاش، ۱۳۸۹: ۱۳۲).

یادآوری این نکته مهم است که مهم‌ترین و بزرگترین کانون عزاداری‌های عمومی و دولتی قرن چهارم در ایام محرم مربوط به حکومت دیلمیان در ایران می‌باشد. سوگواری‌های فراگیر و عمومی در این دوره تا پایان دوره آل‌بویه با حمایت حکومت پابرجا بوده اما با

رفتن آنها و روی کار آمدن دولت سلجوقیان سنت برگزاری سوگواری حسینی تقریباً رو به ضعف می‌رفت اما تا زمان یورش وحشیانه مغولان به ایران تغییر شکلی در برپایی عزاداری‌های عمومی امام حسین (ع) گزارش نشده است.

در دوره تیموریان هم وضعیت برگزاری سنت‌های مذهبی عاشورا به صورت عمومی و دسته‌جمعی همانند قبل نبود و رضایت قلبی مردم را همراه نداشت.

«گرچه بعد از استقرار در ایران، هم اینان کمر به خدمت بستند به حرمت اعتقادات مردم، مساجد بزرگ بنیاد کردند.» (همایونی، ۱۳۶۸: ۳۹)

گرچه عزاداری‌های خاموش و پنهان بعد از آل‌بویه همچنان وجود داشت اما بارقه‌های امید با روی کار آمدن دولت صفویه نمایان گشت و در دوره صفویه دوباره به شکل عزاداری‌های ایام محرم گسترده و ظاهر و فراگیر شد. در این دوره حکومت علاوه بر عزاداری، سنت سیاسی-مذهبی «مقتل خوانی» را به منظور کم رنگ کردن «فضایل خوانی و مناقب خوانی» که به نوعی ذکر کرامات و جنگ‌ها و رشادت‌های سه خلیفه بود رواج داد (همایونی، ۱۳۶۸: ۵۶)

ولی با سقوط صفویه و روی کار آمدن سلسله افشاریه مجدداً مراسم محرم رو به ضعف نهاد اما دیری نپایید که با آمدن زندیان دوباره رونق مراسم آغاز و در دوره قاجار به وسعت قابل ذکری رسید و شکل‌های گوناگون مراسم سوگواری را در این دوره می‌توان نام برد. پس از روی کار آمدن سلسله پهلوی از این گسترش جلوگیری به عمل آمد و دوباره رو به ضعف می‌رفت ولی نمی‌توان اظهار داشت که به کلی از بین رفت اما از توسعه آن به خصوص در شهرهای بزرگ جلوگیری به عمل آمد و عزاداری‌های عمومی رونق دوره قاجار را از دست داد. ولی برگزاری عزاداری‌ها و تعزیه در دوره محمدرضا پهلوی دوباره آغاز گردید.

با پیروزی انقلاب اسلامی و بر اثر تاکید‌های مکرر امام خمینی (ره)، مبنی بر اجرای عزاداری سنتی باشکوه، تعزیه خوانی رواج رو به رشدی یافت. اما تعزیه بر همان روش قبل و روال آفت زای خود برگزار گردید و حتی پاره‌ای از مرکز فرهنگی به انتشار متن‌های مخدوش آن روی آورده‌اند و به بهانه نشر میراث ملی و هنرهای مردمی و حمایت از سوگواری‌های سنتی و بومی در این راستا به تلاش پرداختند (گلی زواره، ۱۳۸۲: ۴۸ و ۴۹). مهم‌ترین نکته در بیان پیدایش عزاداری‌ها استفاده حکومت‌ها در طول تاریخ برای تثبیت وضعیت خود و مبارزه دائمی با مخالفان خود بوده است که دیلمیان و صفویه بیشترین

استفاده را از کارکرد سوگواری‌ها در دوره خود داشته‌اند و این بیان‌گر ظرفیت بالقوه عزاداری‌های عاشورا می‌باشد.

۳- قیام عاشورا، تعزیه و انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی در ایران در کنار سایر عوامل تاثیرگذار، به شدت تحت تاثیر فرهنگ سیاسی شیعه و به ویژه نهضت عظیم عاشورا قرار داشت. در واقع اگر از منظر نظریه‌گفتمان به این مسئله نگاه کنیم، گفتار انقلابی امام، دکتر شریعتی، شهید مطهری و دیگر انقلابیون به عاشورا و آئین‌های مذهبی ماهیت کاملاً سیاسی و انقلابی بخشید. تأثیر این قرائت انقلابی از عاشورا به حدی بود که می‌توان گفت در صورت فقدان آن، انقلاب اسلامی به وقوع نمی‌پیوست و یا حداقل با این سرعت به پیروزی نمی‌رسید. عزاداری‌های ایام محرم و صفر از جمله مراسم تعزیه‌خوانی، باعث ایجاد بستری کارا در ذهن مردم برای تحول معنوی و سیاسی می‌گردید.

۳-۱ نقش نمادها در پیروزی انقلاب اسلامی ایران

از نظر لاکلائو و موفه، گفتمان‌ها تنها دریچه شناخت انسان به سوی جهان هستند. هر گفتمان به همه چیز در چارچوبی از نظام معانی، مفهومی خاص می‌بخشد. مفهومی که مختص همان نظام معنایی است.

نمادها و نشانه‌هایی که در جریان مبارزات مردم برای پیروزی انقلاب اسلامی خلق شد و بسیاری از آنها ماندگار شده و در جمهوری اسلامی نیز نقش و معنای خود را حفظ کرده‌اند، فقط یک امر خارجی و بیرونی تصور نمی‌شود، بلکه جزئی از زبان و فرهنگ محسوب می‌شدند که به وسیله آنها مردم با یکدیگر در حال تبادل ارتباطی بودند و در این میان سعی می‌کردند تا ضمن خروج از فضای گفتمانی پهلوی، یک فضای گفتمانی جدید را خلق کنند. (موسوی‌زاده، ۱۳۹۳) اما مسئله این است که چه نمادها و نشانه‌هایی در بنبوحه انقلاب اسلامی مورد استفاده مردم قرار گرفت؟

فضای گفتمانی دوران پهلوی چنین بود که رژیم تلاش می‌کرد تا با جمع برخی از نمادهای مختلف، برای خود هویت یگانه‌ای کسب کرده و مشروعیت خود را تحکیم بخشد. به‌عنوان مثال، استفاده از مقبره کوروش، نشانه شیر و خورشید و در مجموع نشانه‌های ایران باستان، یکی از مهم‌ترین تلاش‌های رژیم برای مشروعیت‌بخشی به خود بود. (صلاحی، ۱۳۸۶: ۳۸۴)

در اواخر دوران پهلوی، تقابل و ستیز بین نمادهایی که رژیم پهلوی بر ساخته بود با نمادهایی که چهره‌های انقلابی و مذهبی، از جهان نمادین اسلامی - شیعی فراروی جامعه می‌گذاشتند، در جریان بود. آنچه که مجید استوار، از آن با تعبیر «منازعه نمادین» یاد می‌کند: «قدرت مخالفان رژیم پهلوی از سوی نمادها شکل می‌گرفت و از طریق زبان اعمال می‌شد. منازعه زبانی به وجود آمده میان شاه و روشنفکران و روحانیان دقیقاً از موضعی زبانی، درون میدان سیاسی در جریان بوده است. ترتیب کنشگران میدان سیاسی دهه ۴۰ و ۵۰ در ایران نشان می‌دهد که زبان، شخصیت و نوع رفتار مخالفان رژیم پهلوی در مقایسه با شاه و ساختارهای حاکم متفاوت بود. شاه به نمادهای ایران باستان و غرب اتکا می‌کرد و مخالفان به نمادهای اسلامی - شیعی.» (استوار، ۱۳۹۲: ۱۹۸)

آنگونه که لاکلائو و موفه می‌گویند گفتمان‌ها اساساً در ضدیت و تفاوت با یکدیگر شکل می‌گیرند. هویت یابی یک گفتمان صرفاً در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکانپذیر است (کسرابی و شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۴۷).

براین اساس می‌توان گفت گفتمان انقلاب اسلامی برای کسب هویت خود از «غیر پهلوی» استفاده کرد. آنگونه که استوار می‌گوید در مقابل این گفتمان باستان‌گرایی پهلوی، می‌توان شاهد افزایش نقش روحانیون همزمان «با افزایش رویکرد به مذهب طی دهه ۵۰ بود. در این دوره «مراکز و آیین‌های مذهبی به همراه کاربست نمادهای شیعی از سوی روحانیان، ویژگی نمادین پیدا کردند و در بسیج سیاسی مردم نقشی برجسته یافتند.» (استوار، ۱۳۹۲: ۲۰۴)

امام خمینی با تأکید بر مفاهیمی چون عاشورا و امام حسین (ع) به بسیج سیاسی مردم اقدام کرد و از آن برای آماده ساختن ذهن ایرانیان جهت مبارزه با رژیم پهلوی بهره برد. این وضعیت نمادین در شعارهای انقلاب نیز مشاهده می‌شد. مانند «خمینی خمینی تو وارث حسینی / پهلوی پهلوی تو وارث یزیدی»، «برای حفظ قرآن، مسلمان، عاشورا به پا کن»، «اگر یار حسینی، بیوند به خمینی»، «ایران کربلا، از خون کشته‌ها، می‌رسد ندا، پاینده باشد مولا خمینی.» (استوار، ۱۳۹۲: ۲۲۴)

بر اساس نظریه بوردیو، قدرت نمادین امام خمینی چنان بود که هیچگونه چون و چرا در آن جایی نداشت و هر آنچه که او می‌گفت از نگاه پیروانش سخنی پیامبرانه بود. انقلاب ۵۷ نقطه اوج این نبرد نمادین بود که در قالب نبرد حق علیه باطل یا ترکیب‌بندی نمادهای

تجدد و باستانی با نمادهای مذهبی جلوه گر شد و پس از پیروزی انقلاب نیز تداوم یافت. (بارسقیان، ۱۳۹۲)

«غیریت» و «تفاوت» ما را به مفهوم دیگری نیز رهنمون می‌کند که از آن به عنوان «منطق تفاوت» نامبرده می‌شود. منطق تفاوت به ویژگی متکثر بودن جامعه اشاره دارد و بر تفاوت‌ها و تمایزهای میان نیروهای اجتماعی تاکید می‌کند. منطق تفاوت تلاش می‌کند از راه تاکید بر تنوعات و به تبع آن اختلافات موجود در عرصه اجتماعی، «زنجیره هم ارزی»^۲ موجود را به هم بریزد. در اینجا خصوصیت و غیریت برجسته می‌شود (کسرابی و شیرازی، ۱۳۸۷: ۳۴۸).

براین اساس می‌توان گفت در جریان انقلاب اسلامی، مردم توانستند با بهره‌گیری از نمادشناسی اسلام و شیعه، گفتمانی را خلق کنند که نه تنها به آنها برای مبارزه هویت داد، بلکه گفتمان‌های رقیب را هم به حاشیه راند و باعث شد تا بسترهای روی کار آمدن نظام اسلامی بعد از پهلوی فراهم شود. بر این اساس، برخی از مهم‌ترین نمادهایی که در جریان انقلاب اسلامی خلق و به کار گرفته شد، به قرار زیر است:

۳-۱-۱ امام حسین، نماد شهادت

در حقیقت این امر در چارچوب عنصر، «هژمونی» نظریه گفتمان قرار می‌گیرد. مفهوم هژمونی یا استیلا حول این موضوع است که در ساحت سیاست و اجتماع چه کسی برتر است. به عبارت دقیقتر، کدام نیروی سیاسی درباره شکل‌های مسلط رفتاری در جامعه تصمیم خواهد گرفت (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۲۰۹).

تأثیر نمادها و نشانه‌ها و نظام معناشناختی الهام گرفته از قیام عاشورا، یکی از عمیق‌ترین و تأثیرگذارترین لایه‌های شکل‌دهنده به انقلاب اسلامی ایران است. بسیاری از استعاره‌های تعیین‌بخش انقلاب اسلامی ایران ریشه در نشانه‌ها و نمادهای قیام عاشورا دارد. اهمیت این مهم به حدی است که امام خمینی (ره) تصریح می‌کنند که «انقلاب اسلامی ایران، پرتوی از عاشورا و انقلاب عظیم الهی آن است» (خمینی، ۱۳۷۶: ۵۸) تأکید امام خمینی و پیروان ایشان بر این مهم که: «ما حق هستیم و حق بر باطل پیروز می‌شود»، «پیروزی خون بر شمشیر»، «شهادت رمز پیروزی است»، «مرگ سرخ بهتر از زندگی سیاه است»، از دیگر

¹ -Logic of difference

² -Chain of equivalence

جلوه‌های تأثیر قیام عاشورا است که در تحقق انقلاب اسلامی نقشی اساسی داشته است. (حسینی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۸۳)

تدا اسکاچپول، با اشاره به نمادسازی‌های صورت گرفته در انقلاب ایران، به نقش آیین‌های مذهبی و اسطوره امام حسین (ع) در شکست شاه به عنوان اهریمن زمانه اذعان می‌کند. از نگاه وی این فداکاری‌ها و شهادت‌طلبی سرانجام نیروهای نظامی و ارتش را در استفاده از نیروی نظامی دچار تردید و ناکارآمدی ساخت. (اسکاچپول، ۱۳۸۲: ۱۳۱)

«میشل فوکو» طی مشاهدات خود از واقعیت‌های شکل دهنده به انقلاب اسلامی ایران، به این نتیجه می‌رسد که در ایران همواره سخن از امام حسین (ع) است. امام حسین (ع) یک شاهد (شهید) است که با رنج خود علیه بدی ظهور کرد و مرگش باشکوه‌تر از زندگی فاتحش بود. مردمی که با دست خالی تظاهرات می‌کردند نیز شاهد بودند (فوکو، ۱۳۷۹، ۶۱).

به اعتقاد حمید عنایت، مذهب شیعه با الهام از قیام امام حسین (ع) علیه یزید، همواره شیعیان را به سر فرود نیاوردن در برابر نظام مستقر، برانگیخته است. (عنایت، ۱۳۶۲، ۱۰۰)

از همین رو برخی از تحلیلگران معتقدند که انقلاب اسلامی در نهضت حسینی ریشه دارد. عمید زنجانی خاطر نشان می‌سازد که درک ماهیت واقعی انقلاب اسلامی در گرو درک نهضت حسینی است. (عمید زنجانی، ۱۳۸۴، ۷۹)

در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ نیز مجالس محرم، منبرها، وعظها و نوحه‌ها حال و هوای سیاسی و انقلابی داشت و نگرش سیاسی به حادثه کربلا و درس‌آموزی از قیام عاشورا به سرلوحه‌ای برای انقلابیون تبدیل شده بود. عاشورا به محور بسیج مردم بر ضد رژیم طاغوت تبدیل شده بود و به مبارزات مردم علیه شاه، جنبه‌ای الهی و البته افتخارآمیز می‌داد. خانواده‌ها، شهیدان خود را به فرمان حسین زمان و محشور با شهدای کربلا می‌دانستند. مساجد، تکایا، حسینیه‌ها و خیمه‌های عزاداری امام حسین (ع) به عنوان مهم‌ترین اماکن، برای فعالیت نیروهای انقلاب و بیداری مردم از مفاسد حکومت پهلوی و سازماندهی آنان برای راهپیمایی، تظاهرات و فعالیت‌های انقلاب محسوب می‌شد. با بهره‌گیری از این نماد، شاه تبدیل به یزید زمان شد و دست‌اندرکاران او هم مبدل به سپاهیان شام شدند. بزرگترین اعتراضات مردمی در طول انقلاب در تاسوعا و عاشورای حسینی شکل گرفت. قیام ۱۵ خرداد نیز مصادف با ایام عاشورا بود. در سال ۱۳۵۷، بیش از دو میلیون نفر در

تهران در راهپیمایی این روز شرکت کردند که موجب شگفتی ناظران خارجی شد. (بری‌یر و بلاشر، ۱۳۵۸: ۴۱)

۳-۱-۲ امام خمینی، نماد امامت و انقلاب اسلامی

امامت، یکی از مهم‌ترین نشانه‌شناسی‌های شیعه محسوب می‌شود. در واقع از دیدگاه شیعه، این امامت است که با تجلی خود راه را برای ظهور تمامی ابعاد معنوی و دنیوی دین فراهم می‌کند و تا زمانی که امامت در جامعه تجلی پیدا نکند، راه برای ارتقای روحی و فکری و حتی دنیوی مردم بسته است. شیعه همواره توسل به امامت را راهکاری برای مصون ماندن از انحراف و مصایب روزگار می‌داند و معتقد است هرگاه مردم، امام زمان خود را تنها گذاشتند، به محنت و بلا گرفتار شده‌اند. در این باره، شیعه به بی‌مهری اهل کوفه نسبت به امام علی و امام حسین اشاره کرده و معتقد است که غیبت کبری هم، ریشه در بی‌مهری و بی‌توجهی مردم به امامت دارد. (یاری، ۱۳۸۷: ۴۳۶)

با بازتولید چنین مفهومی در جریان مبارزات، یاری نکردن امام و رهبر، به معنی گرفتاری به بلاهای آینده تلقی می‌شد. به عبارتی اگر مردم امام را یاری نمی‌کردند، انتظار داشتند که به همان گرفتاری‌های مردم کوفه بعد از یاری نرساندن به امام حسین گرفتار شوند. علاوه بر این، مردم احساس می‌کردند که تنها راه برای اعتلای همه‌جانبه، حمایت از امام است. بر این اساس، این نماد باعث شد تا تمامی تلاش‌های رژیم برای فاصله انداختن بین امام خمینی و مردم، در تحقق این مسئله عقیم بماند و مردم تا آخرین لحظه انقلاب، از امام حمایت کنند. (موسوی‌زاده، ۱۳۹۳) به راستی که امام (ره)، بهترین ناخدای کشتی انقلاب بود. (عبداله، ۱۳۹۵: ۱۵۴ و ۱۸۵)

۳-۱-۳ مسجد، نماد هویت امت اسلام

مسجد در چند قرن اخیر، صرفاً کانونی در جهت عبادت تلقی می‌شده است. نهضت احیای امام خمینی که موجب احیای مفاهیم، نمادها و تحلیل‌های اسلامی بود، موجب تحوّل در کارکرد دین و ایفای همان نقش‌های اولیه‌ای گردید که مسجد داشت. امام راحل در این زمینه فرمودند: «مسجد در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش حرکت‌های اسلامی بوده است. از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در زیر بیرق اسلام حرکت می‌کرده است و همیشه در صدر اسلام، مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبش‌ها بوده است.» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸: ۲۷۶)

از دیدگاه رهبری، مساجد به منزله سنگرند، محلی برای انقلاب فردی، یعنی تهذیب اخلاق و خودسازی، مرکز تجمعی برای نمازهای جماعت، که نمایی از وحدت و همدلی مؤمنان است و محلی برای تبادل اخبار جامعه و تعمیق بینش سیاسی فرهنگی و مذهبی مردم. امام امت در این زمینه در سال ۱۳۵۷ در پیامی اعلام می‌کنند که گویندگان در مساجد وظیفه دارند مصایب رژیم را در طول پنجاه سال سلطنت پهلوی به اطلاع مردم برسانند و آنها را آگاه کنند.

در نتیجه، نقشی که مساجد در شعله‌ور ساختن و گرم نگه‌داشتن انقلاب تا پیروزی آن به عهده داشتند، نشان‌دهنده ماهیت انقلاب و به عبارت دیگر، نقش اسلام در تکوین و شکل‌گیری انقلاب است. در سال‌های پیش از انقلاب، برخی از مساجد به دلیل برخورداری از سخنرانان انقلابی و حضور انقلابیان در آنها، از شهرت ویژه‌ای برخوردار بودند. در شهرها و مراکز استان‌ها مساجد خاصی، کانون اصلی و مرکز تجمع انقلابیان بود. بسیاری از نمادهای خلق‌شده در جریان انقلاب اسلامی، دوام و معنابخشی خود را حفظ کرده و معرف هویت جمهوری اسلامی ایران هستند. به عنوان مثالی گویا و مؤثرترین نماد، چه در جریان انقلاب اسلامی و چه الهام‌بخشی در ساحت‌های مختلف جمهوری اسلامی، نماد عاشورا را بررسی می‌کنیم:

۴- نمادهای عاشورایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی

اگرچه عاشورا همواره موضوعی ارزشی و قابل احترام برای مردم ایران بوده است، ولی پس از انقلاب اسلامی و به عنوان یک «نماد»، واجد معانی تازه و عمیق شد. درحقیقت عاشورا مهم‌ترین نماد در جمهوری اسلامی ایران است که در بسیاری از ساحت‌های فرهنگی، معنابخش، راهبر و جهت‌دهنده رفتارهای جمعی مردم بوده است. از این دیدگاه، عاشورا فقط به یک موضوع تاریخی اشاره نمی‌کند، بلکه همچون علامتی است که به فراخور موقعیت، معنایی را القا می‌کند و مردم متقابلاً واکنش مناسب را نشان می‌دهند. به طور مثال اصطلاح «کربلای جبهه‌ها» و یا «عاشورای ایرانی» (شفیعی، ۱۳۸۷)، هر کدام یادآور واقعه‌ای در جمهوری اسلامی هستند.

فرهنگ شهادت‌طلبی، که نمونه بارز آن در دفاع مقدس دیده شد، از مؤلفه‌هایی است که کاملاً ریشه در عاشورا دارد. فرهنگ و ادبیاتی که در دفاع مقدس تولید شد، آمیزه‌ای از حماسه و عرفان و مبتنی بر نگرش عاشورایی بود. بنابراین در دفاع مقدس با استفاده از

سرمایه عاشورایی نهضت امام حسین (ع) و فداکاری فرزندان و یاران او، فرهنگی رویش پیدا کرد که در تمامی عناصر و مولفه‌های گفتمانی انقلاب اسلامی ظهور و بروز یافت. علاوه بر این، در مهم‌ترین ساحت‌های هویت فرهنگی، معنابخشی نمادهای عاشورایی نمایان و قابل ذکر هستند از جمله شکل گرفتن آیین‌های گوناگون عزا متناسب با مقتضیات محلی، نشان از درهم‌تنیده شدن موضوع عزا با فرهنگ ایرانیان داشته است. در حقیقت امروزه سنن گوناگون عزاداری، خودشان شکل‌دهنده و بازسازی‌کننده حوزه‌های مختلف هویتی جامعه ایرانی شده‌اند (کاهیراده، ۱۳۹۴).

ادبیات یکی از مهم‌ترین ظرف‌های تبلور عناصر فرهنگی است که به دلیل هنر، زیبایی و بُعد لذت‌آفرینی که دارد، به راحتی پذیرفته شده و هویت‌سازی می‌کند. مهم‌ترین تأثیر عاشورا بر ادبیات و هنر، عبارت است از اشعار آیینی، ادبیات حماسی، تعزیه و ... (صالحی و سهیلی‌گیلان، ۱۳۹۵) بسیاری از گزاره‌های مورد استفاده در ادبیات عامه و حتی برخی ضرب‌المثل‌ها از مفاهیم مرتبط با عاشورا استخراج شده است. عبارت‌هایی مانند صحرای کربلا، راست حسینی، سلام دادن بر ابا عبدالله بعد از نوشیدن آب و ضرب المثل‌هایی همچون سکنه گفتمی و کردی کبابم، ما اهل کوفه نیستیم، آخرت یزید و ... از جمله این عبارت هاست. (محمدزاده، ۱۳۸۹)

۴-۱ کارکرد مناسک در جمهوری اسلامی ایران

انقلاب اسلامی با تحولات بسیار و ساختاری که پدید آورد، فرهنگ جامعه ایران را نیز تحت تأثیر خود قرار داد. پس از انقلاب ارزش‌های جدیدی جایگزین ارزش‌های بر جای مانده از نظام سیاسی گذشته ابداع شدند و هنجارهای انقلابی و اسلامی تقویت گردیدند. آیین‌ها و مناسک در طول این سال‌ها، به طرق مختلف به انقلاب یاری دادند تا شکل گرفته، تثبیت شود و تداوم یابد.

۴-۱-۱ مشروعیت بخشی

انقلاب اسلامی نخستین انقلابی بود که متکی بر قدرت نرم (فرهنگی) حاکمیت سیاسی متکی به قدرت سخت را به زیر کشید. انقلابی که به تعبیر فوکو از درون «میکروفیزیک - قدرت» و «میکرو پلتیک» اراده‌ها (اراده‌های خرد و ذره‌ای سیاسی) و از سطوح خرد و پائین جامعه جوشیدن گرفت و به سوی قدرت سخت مستقر در رأس هرم و ساختار قدرت حرکت کرد و آن را تسخیر کرد. انقلاب اسلامی و گفتمان آن با سیطره بر قدرت رسمی سیاسی و نیز در اختیار داشتن قدرت گفتمانی منحصر بفرد و کنار زدن

رقبای گفتمانی چپ و راست، توانست «معرفت» و ایستمه (نظام دانایی) و نظام معنایی مطلوب خود را پدید آورده و عرضه نماید. ایستمه و نظام معنایی که در عین تولید رضایت و تولید توأمان معناها متناسب خود، جهت دهی و نظام ارزشگذاری و اسلامی و انقلابی را تهیه و تنظیم نماید. همان جهت دهی و ارزشگذاری مندرج در نظم گفتار و کنش کلامی امام (ره).

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بر جایگاه و نقش مناسک دینی افزوده و بیشتر کارکردی حمایتی نسبت به مشروعیت نظام سیاسی یافت. البته احیای ابعاد سیاسی برخی مناسک مذهبی مانند حج و نماز جمعه و توجه به آنها وجه اعتراضی نیز داشت اما لبه تیز آن به سوی استکبار جهانی در شرق و غرب نشانه گرفته شده بود. آیین بزرگداشت محرم و عاشورا و مراسم‌های مختلف آن بعد از انقلاب اسلامی بخصوص بیشتر از همیشه مورد توجه قرار گرفت و به دلیل ویژگی‌های گسترده‌ای که داشت از بعد از انقلاب همواره تقویت شد و بهره‌های فراوانی هم به حکومت بعد از انقلاب رساند. ویژگی ایثار و شهادت موجب شد تا انقلاب به پیروزی برسد و در عرصه‌های مختلف پس از آن نیز همواره موجب حفظ انقلاب شد. ویژگی آزادمردی و آزادگی هم خصلت پهلوانی و روحیه مردمی بودن را تقویت کرده و از این طریق نیز به کمک حکومت آمد. ویژگی ایستادگی در برابر ظلم هم همواره مردم را به صحنه آورده و در جهت اهداف سیاست‌های رهبران انقلاب و نظام حرکت‌های بزرگی را رقم زده است. ویژگی عزاداری این آیین بزرگ و مراسم‌های مختلف عزاداری و گریه بر مصائب قیام کربلا سبب می‌گردد تا دل‌های مردم رئوف‌تر و موجب وحدت بیشتر مردم با هم و با رهبران انقلاب شود و همین ویژگی و چندین ویژگی دیگر سبب تقویت این اتحاد و وحدت و نیز مشروعیت‌پذیری نظام جمهوری اسلامی شد (مقصودی و علی پور، ۱۳۹۰: ۷۵-۹۵).

۴-۱-۲ معنا سازی

آنچه که باعث بازتولید نظم موجود و همبستگی در جامعه می‌شود، این است که نظام سیاسی بتواند مجموعه مفاهیم را در خرد جمعی جامعه تولید کرده و مشروعیت ببخشد. گفتمان انقلاب اسلامی در ایران حامل هویتی گفتمانی و نظم گفتاری خاصی بود که در قالب «پیام»ها و «معنا»های متناسب با چنین هویتی دال‌های شناور را به مدلول‌های خاص خود پیوند می‌زد. دال‌هایی چون شهادت، جهاد، استکبار، منافق و...

که مدلول‌هایی چون امام حسین (ع)، مجاهدین صدر اسلام، آمریکا، مجاهدین خلق می‌یافت و به همین نسبت در چهارچوب همین هویت گفتمانی کردارهای سیاسی - اجتماعی انقلابی را در جامعه تعریف و تنظیم می‌نمود، گفتمانی که نماد و سخنگوی آن امام (ره) بود و ثقل امام بر ایده مردم متمرکز بود. با پیروزی انقلاب اسلامی، گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان گفتمان مسلط سیاسی - فرهنگی در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی حاکمیت یافت و کردارهای اجتماعی - سیاسی و فرهنگی متناسب با خود را سامان بخشید. این گفتمان مسلط، همچون دیگر گفتمانهای مسلط، دال‌های گفتمانی خود را در عرصه هویت گفتمانی و کردار اجتماعی و فرهنگی جامعه رقم زد. به همین دلیل، جمهوری اسلامی در صدد است دال‌های گفتمان مسلط خود را در ذهنیت اجتماع از طریق انجام و اعمال مناسک و آیین‌هایی به عنوان امری فرهنگی تثبیت کند. دعوت گسترده از مردم در گردهمایی و تجمع مردم در سالروز ۲۲ بهمن و روز قدس و شعارهایی در نفی استکبار و ظلم ستیزی که از دال‌های اصلی گفتمان انقلاب اسلامی است موجب یادآوری آن در ذهنیت افراد حاضر و باز یادآوری آن از طریق تکرار مداوم در رسانه‌های جمعی موجب تثبیت این گونه مفاهیم در ذهنیت جامعه می‌باشد. آیین و مناسک موجب حضور دائم مردم در صحنه شده و با انواع مناسبت‌ها سعی می‌شود نیروهای غیر خودی را حذف یا تضعیف کنند و باعث استحکام و پیش برد انقلاب گردند (تاجیک، ۱۳۷۷: ۱۰۵-۸۵).

۴-۱-۳ کنترل اجتماعی غیر رسمی

مناسک به گونه‌ای عمل می‌کنند تا واقعیت اجتماعی را بسازند و افراد را نسبت به آن واقعیت متقاعد کنند، و قواعد و تجاربی که واقعیت اعضای جامعه را شکل داده و تداوم می‌بخشند، ایجاد کنند. برخی از این نوع مناسک، خبری یا اطلاع دهنده هستند، در حالیکه برخی دیگر تمایل دارند تا «انگیزش‌ها و خلیاتی» که جامعه به آنها متکی است را به تدریج به افراد القاء کنند (bell, 2009: 185-170).

«مناسک و رفتارهای منسکی» یکی از اساسی‌ترین عوامل در برساختن واقعیت‌های اجتماعی جامعه و شکل دهی به مفاهیم در جامعه است و نقش مهمی در بازتولید باورها و اعتقادات دینی جوامع دارد. پس از انقلاب اسلامی ایران، به تبع تحولاتی که در ارزش‌های جامعه به وجود آمد نقش مناسک و آیین‌ها چه در بعد اجتماعی و چه در بُعد فردی تحول اساسی پیدا کرد. انقلاب اسلامی که منجر به احیای دوباره دین و

ورود آن به تمام عرصه‌های زندگی شهروندان ایرانی شد باعث گردید که باورهای اسلامی و همچنین طرز نگاه به نوع دینداری، شکل‌ورزی‌های دینی، از طریق مناسک و آیین‌ها در سطح جامعه گسترش یافته و رفتارهای برآمده از آن را در جامعه نهادینه کند (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۱: ۳۲).

نمادهای اسلامی و انقلابی که بعد از انقلاب اسلامی احیاء یا ابداع شدند عبارتند از «لاله» و «خون» بعنوان نماد شهادت و شهادت طلبی، سلاح (تفنگ یا شمشیر) نماد مبارزه جویی و جهاد در راه خدا که در مراسم عاشورا و اربعین و سالروزهای شهادت امامان و ائمه در جامعه بازتولید و گسترش شده و ذهنیت و در نهایت رفتار مخاطب را تحت تاثیر قرار می‌دهد. بدیهی است که چنین رویکردی به مرگ و شهادت، دشمن را خلع سلاح می‌کند و موجب گسترش و تقویت روحیه انقلابی در مردم می‌شد (مرشدی زاده، ۱۳۸۷: ۸۸).

۴-۱-۴ همبستگی و نظم دهی

از نظر دورکیم وحدت‌یابی نمادین یک جماعت از خلال گردهمایی دوره‌ای آن یکی از ابعاد یکپارچگی در جامعه است. در این میان مناسک، با انجام گروهی از ضوابط و نقشها در چارچوب نظم‌ی که شکل می‌دهند، پیوند اجتماعی یکپارچه‌کننده را تقویت می‌کند (bell, 2009: 170-175).

مناسک موجب ترویج انسجام اجتماعی و بازتولید نظم اجتماعی و طراوت جمعی می‌شوند. مناسک و عمل سیاسی هر دو عواملی هستند که موجب تحمیل و دنباله روی از نظم عمومی می‌شوند، که خود شرط هر گونه زندگی و هر گونه موجودیت اجتماعی است (Wulf, C, 2011: 3-1).

بدین ترتیب، مناسک عمومی در طول سال‌های پس از انقلاب اسلامی نیز جایگاه خود را به عنوان عامل همبسته‌ساز اجتماعی حفظ کرده و تداوم بخشید. حتی در ۲۲ بهمن یعنی روز ملی ایران و در حالی که مردم در سراسر کشور کارناوال‌های شادی به مناسبت پیروزی انقلاب اسلامی در خیابان‌ها به راه می‌اندازند، تلقی مذهبی از این اقدام آشکارا در میان کنشگران دیده می‌شود. در واقع یک انگیزه مهم - و شاید مهم‌ترین انگیزه - این کنشگران که توسط خود آنها اظهار می‌شود، عمل سیاسی به عنوان یک واجب شرعی و در چهارچوب مناسکی دینی است. آیین‌های مذهبی شیعی حضور دائم مردم در صحنه را سبب می‌شوند و به دنبال آن از طریق انواع مناسبت‌ها (همچون

نماز جمعه و نوروز) سعی شد تا سایر نیروهای «غیر خودی» را حذف یا تضعیف کنند و باعث استحکام و پیشبرد انقلاب گردند (مقصودی و علی پور، ۱۳۹۰: ۸۰-۹۲).

۴-۱-۵ هویت سازی

مناسک عزاداری در ایران دو کارکرد دارد؛ یکی تمایز شیعه از غیر شیعه است و دیگری ایجاد نوعی تمایز داخلی است. وقتی به هیأت یک محله می‌رویم، در واقع در حال ایجاد تمایزی هویتی و تعلق داخلی هستیم. هر کس به یک هیأت خاصی تعلق دارد. معمولاً در تاسوعا و عاشورا موج عظیمی از مهاجرت در تمام ایران رخ می‌دهد و افراد به نقطه صفر خود بازمی‌گردند تا نشان دهند که به کجا تعلق دارند. بنابراین، عزاداری خیلی فراتر از یک امر مذهبی می‌باشد، بحث هویت مذهبی، اجتماعی، فرهنگی و هویت سیاسی در این مراسم شکل می‌گیرد. در واقع مناسک عاشورا، وجدان اخلاقی این افراد و رابطه فرد به گذشته و وابستگی او به اجتماع را در بستری از ایمان مناسکی ایجاد می‌کند. تصوراتی که در طی مناسک عاشورا در درون فرد برانگیخته می‌شود، او را با تجدید قوا و تقویت روحیه‌اش و پیوندش با جامعه، با نیروی بیشتری به حیات اجتماعی باز می‌گردانند. در واقع وقتی خاطره‌های پرافتخاری که در برابر چشمان‌شان دوباره جان می‌گیرند و افراد خود را با آن همبسته می‌یابند به آنان احساسی از نیرومندی و اعتماد می‌دهند. (استوار، ۱۳۹۲: ۲۵۰-۲۲۵).

نظام‌های مناسکی همیشه کارکردهایی بیش از کارکردهای صرف مذهبی داشته‌اند. پیوستگی نظام‌های مناسکی با جامعه، فرهنگ و سیاست و اقتصاد سبب شده آنها نقش‌های مهم‌تری در حیات جامعه داشته باشند. بر این اساس هر جامعه و فرهنگی مکانیسم‌هایی را برای تأکید بر معانی مهم و ایجاد فرایندهایی برای تولید این معانی تعبیه می‌کند که می‌توان آنها را در ذیل مفهوم مناسکی شدن مطرح کرد. امر مناسکی، امر مهم برای جامعه است، امری که حول آن مجموعه‌ای از باورها و اعتقادات نیز شکل می‌گیرند که می‌توان آنها را بخشی از نظام اساطیری آن فرهنگ دانست.

لذا مناسکی شدن یکی از مهم‌ترین مکانیسم‌های انسانی برای تولید و برجسته‌سازی معانی فرهنگی مهم و انتقال آنها به مخاطبان و مهم‌تر از همه ایجاد ایمانی درونی در مخاطبان برای باورداشت این معانی برجسته شده است. به همین سبب در همه ادیان و فرهنگ‌ها، نظام‌های مناسکی خاصی هستند که نقشی محوری در حیات فرهنگی و مذهبی آن جامعه دارند. لذا در جمهوری اسلامی ایران نیز مناسک و آیین‌ها به عنوان

امری سیاسی تلقی شده که آن برای مشروعیت بخشی به قدرت خود از طریق ابزارهای نرم فرهنگی بوده و با تولید و برجسته سازی معنای و مفاهیم از طریق مناسک در جامعه و انتقال آن در ذهنیت مخاطبان نقش مهمی را در حفظ و باز تولید قدرت خود به عنوان یکی از کارکردهای پنهان مناسک و آیین ها در نظر گرفته است.

جمع بندی و نتیجه گیری

از مجموعه افتخارات فرهنگی و تمدنی کشور ایران با سابقه نزدیک به هزار سال شبیه خوانی است که نمی توان به سادگی این میراث گرانبها را نادیده گرفت. در واقع ابعاد مختلفی دست به دست هم داده اند تا بتوان به روشنی بیان کرد که تعزیه ایام عزاداری امام حسین (ع) تاثیر مستقیمی بر روح و روان و عقاید شیعیان و زنده نگه داشتن فلسفه عاشورا دارد. در تمام عزاداری های مذهبی یکی از ابعاد مهم آن زنده و پایا نگه داشتن وقایع مذهبی می باشد که در تعزیه نیز این موضوع صادق است. این آیین معنویت و بعد روحانی افراد را تقویت می کند و جایگاهی برای آموزش اصول و مبانی دینی و اخلاقی را فراهم می آورد و به واسطه اینکه این آیین با تمام ویژگی های خود در بین مردم جایگاه خاصی دارد دارای احترام و قداستی است که باعث تاثیر گذاری و کارکرد مشخص در بین آنها می گردد و مردم آن را باور دارند. حادثه کربلا رخدادی بی نظیر است و به دلیل عظمت بی نظیر این حادثه و منحصر بفرد بودن آن، آثار و تبعات آن نیز عظیم بوده و پاسداری و بزرگداشت آن، جهت احیای اهداف و انگیزه های مقدس این فداکاری، واجب قطعی است. انگیزه قیام حسینی، جلوگیری از حدوث یک انحراف عظیم و بدعت جدید در عرصه سیاست اسلامی بود. دوام عزاداری سالار شهیدان، به صورت مرثیه خوانی، گریستن و گریاندن بر اساس مقاتل معتبر، در پی حرکت دادن مردم در راه هدف اهل بیت و اقامه شریعت و برقراری عدل و احسان در جامعه و به طور خلاصه، امر به معروف و نهی از منکر است. یکی از امتیازات انقلاب اسلامی ایران رابطه مستقیم آن با ماه محرم و عزاداری امام حسین (ع) از آغاز تاکنون بوده است. بنابراین شیوه های عزاداری چه در شکل و چه در محتوا باید با ایده های مقدس انقلاب اسلامی، هماهنگ گردد و در این راستا یکی از وظایف علمای اسلام جلوگیری از بدعت ها و انحرافات در کل زمینه های دینی است.

تعزیه از جمله عزاداری هایی است که مدل های بسیاری از عاشورا داشته و در حرکت انقلابی مردم به آنها استناد می گشت و رهبران انقلاب خوانش سیاسی نهضت را برگرفته از اهداف حماسه عاشورا دانسته و این هم سویی باعث مشروعیت معنوی انقلاب اسلامی

می‌گشت. در بحث نقش عاشورا در تداوم انقلاب اسلامی، تشکیل حکومت و وصول به حاکمیت سیاسی را به عنوان هدفی مشترک در نهضت عاشورا و انقلاب اسلامی برشمرده و تفسیر این‌گونه امام خمینی را از نهضت عاشورا منشا قرار گرفتن نهضت در چنین سمت و سویی تلقی می‌کند و جهت‌گیری انقلاب به سمت تغییر محتوای نظام، فراگیری اصل بنیادین اصلاح، ویژگی عدالت‌پیشگی، در انقلاب اسلامی را برگرفته از نهضت عاشورا دانسته و تکیه و دعوت امام به خودسازی را از اهرم‌های درونی کنترل قدرت و عرضه آرمان‌های اخلاقی در میدان سیاست در انقلاب اسلامی برمی‌شمارد. در انتها اصل سازش ناپذیری در برابر ابرقدرت‌ها را ناشی از فرهنگ سازش ناپذیری زاینده عاشورا دانسته و آن را موجب دستیابی مردم به استقلال و پیدایش نیروی سومی در جهان تحلیل می‌نماید و خصلت جهان شمولی انقلاب را برگرفته از ماهیت انقلاب پیامبرانه حسین(ع) که گستره جهانی و بیرون از مرزهای جغرافیایی و تاریخی را مد نظر دارد، برمی‌شمارد.

منابع و مأخذ:

- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد (۱۲۹۰ق) **الکامل فی التاریخ**، جلد هشتم، مصر
- ابن کثیر (۱۳۵۸ق) **البدایه و النهایه**، مجلد نهم و ششم، قاهره، مطبع السعدا
- آزاد ارمکی، تقی و غیاثوند، احمد (۱۳۸۱). «تحلیل جامعه شناختی وضعیت دینداری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی»، **پژوهش نامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی**، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۵، ص ۱۴۸-۱۱۷.
- استوار، مجید (۱۳۹۲) نقش نمادهای شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۲ شماره ۴، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی
- اسکاچپول، ندا (۱۳۸۲)، دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران، ترجمه محمدتقی دلفروز، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، شماره ۱۹، صص ۱۱۹-۱۴۱
- بریری، کلر و بلاشسر، پیر (۱۳۵۸)، **ایران: انقلاب به نام خدا**، ترجمه قاسم صنوی، تهران: سحاب.
- پارسقیان، سررگه (۱۳۹۲)، انقلاب اسلامی و نبردنمادها؛ کورش آسوده خویابدی، **تاریخ ایرانی** (tarikhirani.ir) ۱۶ بهمن ۱۳۹۲، کد خبر: ۴۰۱۳
- بیکناش، مایل (۱۳۸۹) **تعزیه و فلسفه آن در تعزیه: آیین و نمایش در ایران** پتر چلکوسکی، ترجمه داوود حاتمی، تهران، سمت
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، «غیریت و هویت شکل‌گیری گفتمان انقلابی در ایران»، **پژوهشنامه مثنی**، زمستان، شماره ۱، ص ۱۰۶-۸۳
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، **گفتمان، پادگفتمان و سیاست**، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- حسین مقدم، محمد (۱۳۸۹)، «کاربرد آینده‌پژوهی در علوم سیاسی با تکیه بر روش تحلیل لایه لایه علتها»، **فصلنامه علمی پژوهشی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی**، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲۳ پاییز ۱۳۸۹، ص ۱۶۹
- خلیجی، عباس (۱۳۸۶)، **ناسازدهای نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح طلبی** (۸۴-۱۳۷۶)، پایان نامه دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران
- خمینی، روح اله (۱۳۶۱)، صحیفه نور، چاپ اول، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح اله (۱۳۷۶)، کلمات قصار، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- چلکوسکی، پترجی (۱۳۸۹) **تعزیه: آیین و نمایش در ایران**، **تعزیه نمایش بومی پیشرو**، ترجمه داوود حاتمی، تهران، سمت
- زواره، گلی، غلامرضا (۱۳۸۲) **از مویه تا تعزیه**، تهران
- داوودی، علی اصغر (۱۳۸۹)، **نظریه گفتمان و علوم سیاسی**، نشریه مطالعات سیاسی، دوره ۴، شماره ۸، ص ۷۴-۵۱
- شفیعی، ضیاءالدین (۱۳۸۷)، **هفتم تیر، عاشورای ایرانی، مروری بر زندگی‌نامه شهدای هفتم تیر**، چاپ چهارم، تهران: شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، نشر هماهنگ.
- صالحی، پیمان و سهیلی‌گیلان، سهراب (۱۳۹۵)، عاشورا و امام حسین (ع) در اشعار شاعران فارسی و عربی معاصر، **فصلنامه آیت بوستان**، سال اول، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵
- صلاحی، سهراب (۱۳۸۶)، **پژوهشی در تحولات معاصر ایران**، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین.
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۹۵)، **انقلاب اسلامی ایران، رخدادها و تحلیل‌ها**، تهران: رهیافت خط اول.
- عتایت، حمید (۱۳۶۲) **اندیشه سیاسی در اسلام معاصر**، ترجمه بهالالدین خرمشاهی، تهران، نشر خوارزمی
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، **گزیده انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن**، تهران: طوبی.
- فوکو، میشل (۱۳۷۹)، **ایران: روح جهان بی‌روح**، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهاننیده، تهران: نشر نی
- کاهیراده، نسیم (۱۳۹۴)، **عاشورا مناسک معنا، مجموعه مقالاتی جامعه شناختی پیرامون مهم‌ترین مناسک معنابخش به حیات شیعیان**، قم: نشر خیمه.
- کاظمی، سمانه (۱۳۸۶) **میرزا کاشانی در قلمرو تعزیه**، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی
- کسرابی، محمدرضا (۱۳۸۷)، «نظریه گفتمان لاکلاو و موفه: ابزاری کارآمد در فهم و تبیین پدیده‌های سیاسی»، **فصلنامه سیاست**، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۳، ص ۳۶۰-۳۳۹.
- مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۷۸)، **روش و نظریه در علوم سیاسی**، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲ق) **بحارالانوار**، تحقیق و تعلیق سیدجواد علوی، جلد ۴۵، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
- موسوی‌زاده، سیدمحسن (۱۳۹۳)، نگاهی به نشانه‌شناسی انقلاب اسلامی، **جنگ نمادها را چه جریان برد؟، پایگاه تحلیلی - تبیینی برهان** (borhan.ir)، ۱۳۹۳/۱۱/۲۱، کد خبر: ۸۳۴۸
- مرشدی‌زاد، علی، (۱۳۸۷)، نمادها و آیین‌ها در ایران پس از انقلاب و نقش آنها در همبستگی ملی، **فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ملی**، زمستان ۱۳۸۷، شماره ۳۶، صص ۷۳-۹۸
- مقصودی، مجتبی و علیپور، جعفر (۱۳۹۰) **بررسی نمادها و آیین‌های مشروعیت‌بخش در برنامه‌های صدا و سیما با تأکید بر مناسک مذهبی**، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴ شماره ۱۴ صص ۷۷-۱۱۶
- نشن، کیت (۱۳۸۵)، **جامعه‌شناسی سیاسی**، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، نشر کویر
- هنری، یدالله، آژرمی، علی (۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل فرایند استقرار و انسجام بایگ گفتمان انقلاب اسلامی ایران براساس نظریه گفتمان لاکلاو و موفه» **فصلنامه علمی-پژوهشی «پژوهشنامه انقلاب اسلامی»**، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۱۸-۹۵.

-همایونی، صادق (۱۳۸۹) **تعزیه در ایران**، شیراز، انتشارات نوید
-هوات، دیوید (۱۳۷۷)، نظریه گفتمان، **فصلنامه علوم سیاسی**،
ترجمه سید علی اصغر، شماره ۲.
-یاری، محمدجواد (۱۳۸۷)، **پرسه‌مان انقلاب اسلامی**، تهران:
انتشارات وثوق.

منابع لاتین

- Brown, G, Yule, G. (1989). **Discourse Analysis**.
Cambridge university press.
- Fairclough, Norman, (2001), **language&power**,
London: Longman
- Laclau, E, Mouffe, C. (1985). **Hegemony and
Socialist Strategy: Towards a Radical Democratic
Politics**. London: Verso
- Bell, Catherine(2009). , **Ritual Theory, Ritual
Practice**,, Published by Oxford University Press,
Inc. 198 Madison Avenue, New York, NY 10016-
4314
- Wulf, C. (2011). ,**Collective emotions in rituals:
Elicitation, Transmission, and a “Matthew-effect”**
London: Routledge.